



کسب رتبه سوم کشوری در تعالی منابع انسانی

شرکت پالایش گاز سرخون و قشم موفق به کسب رتبه سوم کشوری و دریافت تقدیرنامه ۳ ستاره در جایزه تعالی منابع انسانی شد.

به گزارش **روابط عمومی شرکت پالایش گاز سرخون و قشم**، با برنامه‌ریزی‌های انجام شده در ۵ ماه گذشته، فرایند تدوین و خودارزیابی و ارسال اظهارنامه منابع انسانی به دبیرخانه مربوطه به انجام رسید که بر مبنای ارزیابی صورت گرفته از سوی ۳ نفر از ارزیابان جایزه تعالی منابع انسانی و جمع‌بندی‌های کمیته علمی، شرکت پالایش گاز سرخون و قشم حائز رتبه سوم بین سازمان‌های شرکت کننده در فرایند جایزه و دریافت عنوان تقدیرنامه ۳ ستاره شد که بالاترین عنوان در بین شرکت‌های گاز است.

محل انس با قرآن در منطقه ویژه اقتصادی ماهشهر

محل نورانی انس با قرآن با حضور امام جمعه، فرمانده ناحیه مقاومت بسیج ماهشهر، جمعی از فرماندهان پایگاه‌های مقاومت بسیج پتروشیمی، قاریان ممتاز، مدیران و کارکنان بسیجی سازمان منطقه ویژه اقتصادی پتروشیمی در تالار آفرینش این منطقه برگزار شد.

به گزارش **روابط عمومی سازمان منطقه ویژه اقتصادی پتروشیمی**، در این مراسم که به همت پایگاه مقاومت بسیج این سازمان و گسترش فرهنگ قرآن و به مناسبت ایام رمضان المبارک ترتیب یافته بود، مدیرعامل سازمان منطقه ویژه اقتصادی پتروشیمی، میزبان اصلی روزه‌داران حاضر در جلسه را پروردگار عالمیان خواند و ضمن تبریک ایام پر فیض رمضان، برای تمامی حاضران و همکاران خود سرپلندی، توفیق و امکان بهره‌گیری از فیوضات این ماه مبارک را آرزو کرد.

برنامه‌های متنوع فرهنگی در بالايشگاه پارسیان

روابط عمومی شرکت پالایش گاز پارسیان به مناسبت ماه مبارک رمضان برنامه‌های فرهنگی ویژه‌ای را در این شرکت اعلام و برگزار کرد.

رئیس روابط عمومی بالايشگاه پارسیان گفت: در ایام ماه رمضان هر روز برنامه احکام نماز و روزه همراه با تفسیر قرآن و روخوانی به مدت ۳۰ دقیقه بعد از نماز ظهر و عصر در نمازخانه مرکزی برگزار می‌شود. بعد از نماز صبح و مغرب و عشاء نیز مراسم مشابهی در نمازخانه مجتمع رفاهی کمپ نخلستان این شرکت برپاست.

احمدزاده افزود: با برپایی مجلس انس با قرآن کریم در شب بیست و هفتم ماه رمضان، از برگزارندگان مرحله مقدماتی و سراسری قرآن کریم و برگزارندگان مسابقات فرهنگی این ماه تقدیر به عمل خواهد آمد.

تکریم از بازنشتگان نفت خزر

تعدادی از کارکنان بازنشسته شرکت نفت خزر در مراسمی با حضور اعضای هیات‌مدیره، مسوولان و پیشکسوتان این شرکت تجلیل شدند.

به گزارش **روابط عمومی و امور فرهنگی شرکت نفت خزر**، مهندس اصولی مدیرعامل این شرکت گفت: مهم‌ترین نکته بارز سال‌های طولانی خدمت، نام و یاد نیک و نتیجه فعالیت‌ها و تلاش‌های شما همکاران عزیز است که برای زمان حال و نسل‌های آینده محفوظ می‌ماند. به عبارتی تمام موفقیت‌های امروز ما موهبت تلاش‌های گذشتگان است. وی در ادامه ضمن قدردانی از خدمات همکاران خاطر نشان کرد: باید از تجربیات گذشتگان نهایت استفاده را ببریم و شرکت نفت خزر را به یک سرانجام مطلوب هدایت کنیم که این مهم با توکل به خداوند متعال و تلاش همکاران شرکت به ویژه همکاران بازنشسته در جهت تحقق اهداف مورد نظر شرکت به نتیجه خواهد رسید و در این راه نام و یاد همه ما ماندگار و جاوید خواهد ماند.

مدیرعامل شرکت نفت خزر با تاکید بر تجلیل از همکاران بازنشسته شرکت، اظهار داشت: قدردانی از زحمات همکارانی که بهترین سال‌های عمر خویش را در خدمت به کشور صرف کرده‌اند، کمترین کاری است که در پاسداشت خدمات ارزنده آنان انجام می‌دهیم.

شرکت‌های برگزیده دوستدار محیط زیست

شرکت ملی پخش فراورده‌های نفتی مناطق اردبیل، اهواز، کیهگیلویه و بویراحمد، خراسان رضوی، زاهدان، قم و همدان از سوی سازمان حفاظت محیط زیست به عنوان واحدهای خدماتی دوستدار محیط زیست در سال ۸۸ انتخاب شدند.

به گزارش **روابط عمومی شرکت ملی پخش فراورده‌های نفتی ایران**، این مناطق در احکام جداگانه‌ای به دلیل تلاش و زحمات شبانه‌روزی کارکنان و اجرای استانداردهای زیست محیطی، در جهت صیانت از محیط زیست مورد تقدیر قرار گرفتند.

همچنین شرکت ملی پخش منطقه ارومیه نیز به عنوان واحد برگزیده سال انتخاب و تقدیر شد.

برگزاری مسابقات قرآنی در پخش گلستان

شانزدهمین دوره مسابقات مقدماتی حفظ، قرائت و مفاهیم قرآن کریم، نهج‌البلاغه و آذان در شرکت ملی پخش فراورده‌های نفتی منطقه گلستان برگزار شد.

به گزارش **روابط عمومی این شرکت**، حضور همکاران و خانواده آنان در این مسابقات چشمگیر بود و با استقبالی کم‌نظیر مواجه شد.

نبرد دریایی در آبادان

بازخوانی حوادث مناطق نفتخیز در جریان اشغال ایران در شهریور ۱۳۲۰

بکشند. فرشیید خدادادیان کارشناس ارشد تاریخ در نوشتاری به مرور وقایع آن روزها و نقش ایران در جدال دو قدرت شرق و غرب پرداخته است که در ادامه می‌خوانید.

روسیه رسیده و دشمن مشترک، دو ابرقدرت زمانه خود انگلیس و روسیه را که دارای اختلاف‌نظرهای فراوان در عرصه‌های استعماری بودند، وادار به اتحاد کرده بود تا ترمز ارتش نازی را در سرمای سیبری

شهریورماه هر سال، یادآور اشغال نظامی ایران از سوی انگلستان و روسیه در جریان جنگ جهانی دوم به سال ۱۳۲۰ خورشیدی(۱۹۴۱ میلادی) است. در زمانه‌ای که آتش جنگ عالمگیر دوم به دروازه‌های

ایران اگرچه در جنگ اعلام بی طرفی کرده بود، اما به دلیل موقعیت ژئوپولیتیک و قرار گرفتن در سر راه ارسال کمک‌های انگلیس به روسیه موقعیتی خاص داشت، موقعیتی که انگلیس و روسیه نمی‌توانستند نسبت بدان بی توجه باشند. وصیت پلتر کبیر هنوز عملی نشده بود و ایران بهترین راه دسترسی آن کشور پهناور به دریای آزاد محسوب می‌شد و انگلستان نیز زیر کانه مایل بود تا بمبافکن‌های آلمانی به جای بمباران لندن و منجست بر فراز خاک روسیه به پرواز درآیند و به همین دلیل از هیچ کوششی برای رساندن کمک به رقیب دیرینه خود در برابر دشمن مشترک جدید دریغ نمی‌کرد.

ناسیاسی پس از بیست سال

از اسفند ۱۲۹۹ خورشیدی که دیکتاتور جدید ایران رضاخان میرپنج به کمک انگلستان و با چشم‌پوشی و رضایت نسبی روسیه ردای پادشاهی پوشیده بود، بیست سال می‌گذشت. طی این مدت ایران همواره حیاط خلوت انگلستان و ضربه‌گیر مستعمره سنتی این امپراتوری در شبه قاره هند محسوب می‌شد و روسیه نیز سعی می‌کرد حضور رقیب دیرینه خود انگلستان را در مرزهای جنوبی‌اش تحمل کند، اما حضور قدرتی به نام آلمان، رضاخان را ترغیب می‌کرد تا نمکدان بشکند و به امید دوستی با امپراتور جدید جهان، خود را از قدرت‌های سنتی جهان آن روزگار بی‌نیاز بداند!



قوای ما به اندازه کافی نیرومند هست که مناطق نفتخیز ایران را در صورت مقاومت سربازان ایرانی اشغال کند؟ ما هر دو البته برای بیرون کردن آلمانی‌ها از ایران توافق حاصل کرده‌ایم.»

بدین ترتیب دو قدرت مصمم شدند تا با حضور فیزیکی در ایران، از پشت جبهه جدال با آلمان نازی، بیش از پیش مطمئن شوند.

اعلامیه شماره یک ارتش

رضاشاه در آخرین توهم قدرتمندی خود، ستادی متشکل از فرماندهان ارشد ارتش برای جنگ تشکیل داد، ستادی که تنها یک اطلاعیه



صادر کرد و پس از آن همچون قدرت پوشالی رضاشاه فرو ریخت. در بند یک این اطلاعیه ۶ ماده‌ای آمده بود:

«ساعت ۴ روز سوم شهریورماه، ارتش شوروی از شمال و ارتش انگلیس در باختر و جنوب باختری مرزهای کشور را مورد تجاوز و تعرض قرار داده‌اند.»

در بند دوم اعلامیه نیز آمده بود: «شهرهای تبریز، اردبیل، رضائیه، اهواز و بندر پهلوی مورد بمباران هوایی واقع و تلفات وارد شده نسبت به مردم غیرنظامی زیاد و نسبت به نظامیان کم بوده است.»

حمله ناچوانر دانه در ساحل آبادان

انگلستان تقریباً از آغاز جنگ عالمگیر از دولت ایران خواسته بود تا دفاع از شهر آبادان را عهده‌دار شود. پس از بمباران بحرین به وسیله هواپیماهای ایتالیایی، انگلستان بار دیگر این درخواست را مطرح ساخت که ایران با آن مخالفت کرد و مدعی شد توانایی دفاع از مرزهای خود را ندارد! البته انگلستان به این ادعا اعتنا نکرد و چند دستگاه آتش‌بار ضدهوایی در اطراف آبادان مستقر کرد. رضاشاه مغرور به نیروی دریایی ایجاد شده، یک هنگ از تیپ لشکر خوزستان را به فرماندهی سرهنگ مصومی در آبادان مستقر ساخت و ناو جنگی ایرانی موسوم به «پلنگ» نیز در سواحل آبادان لنگر انداخت تا از مرزهای آبی ایران دفاع کند.

ساعت ۱۸ روز دوم شهریورماه، یکی از رزمناوهای انگلیسی حاضر در خلیج فارس، با کسب اجازه از مرزداران ایران به بهانه گرفتن نفت و آب و تهیه آذوقه و استراحت افسران و افراد خود، وارد ساحل آبادان شد و در مقابل

ناو پلنگ در یکی از اسکله‌های شرکت نفت پهلو گرفت. ناخدا سوم میلانین فرمانده ناو پلنگ طبق عرف با فرمانده رزم‌ناو انگلیسی دیدار کرد و به ایشان خیر مقدم گفت.

امکانات رفاهی و آذوقه در اختیار انگلیسی قرار داده شد تا این ناو صبح فردا به حوزه ماموریت خود در آب‌های آزاد خلیج فارس باز گردد. ساعتی از بامداد روز بعد گذشته بود که ناخدا سوم میلانین، سرآسیمه با صدای انفجاری مهیب از بستر خود در عرشه ناو پلنگ برخاست. از زمین و آسمان، بر سر ناو پلنگ توپ و خمپاره می‌بارید و سربازان هندی نیز مسلسل به دست از عرشه رزم ناو انگلیسی،

میزبانان خود را به آتش بسته بودند! ناویان یکم کهنمویی فرمانده توپخانه ناو پلنگ- که انتظار چنین حمله ناچوانر دانه‌ای را از میهمانانی که چند ساعت پیش از آنان استقبال کرده بود، نداشت - اثر حمله خمپاره‌اندازان هندی یک دست خود را از دست داد و در حالی که با یک دست قصد آتش کردن توپ‌راداشت، فداکارانه، جان باخت.

هم‌رزم دیگر او ناویان ریاضی که مسوول کشیک قسمت عقب ناو پلنگ بود نیز ناچوانر دانه هدف خمپاره قرار گرفت و از بدن او هیچ چیزی باقی نماند. فرمانده ناو پلنگ، ناخدا سوم میلانین، در جریان این حمله مجروح شد.

حجم آتش ناو انگلیسی بر ناو پلنگ به حدی بود که سکانک آبادان با تصور زلزله‌ای مهیب از خواب پریدند و متوجه شدند اسکله شرکت نفت غرق دود و آتش است، همان اسکله‌ای که کارگزاران شرکت نفت وقتی سوار بر دوچرخه از آن می‌گذشتند، برای سربازان و افسران ناو پلنگ دست تکان می‌دادند و «خسته نباشی دلاور!» می‌گفتند. با اطمینان ناو انگلیسی از انهدام ناو پلنگ، از آتش‌باری آنان اندک‌اندک کاسته شد. ناخدا سوم میلانین را به همراه سایر مجروحان به اسکله منتقل کردند تا برای مداوا به بیمارستان شرکت نفت ببرند، اما او گفت حاضر است بمیرد اما به بیمارستان شرکت نفت نرود!

سرانجام در حالی که فرماندهان انگلیسی و سربازان هندی سرگرم به اهتزاز در آوردن پرچم بریتانیا بر اسکله آبادان بودند، میلانین برای همیشه چشم از جهان فرو بست.

حضور نیروهای متفقین در مناطق نفتخیز
تلخ‌ترین خاطره تاریخی این منطقه است که به جرم داشتن نفت و نداشتن حکومتی مردمی محکوم به تحمل حضور بیگانان بود

رئیس مناطق نفتخیز در مسجدسلیمان جمع شده بودند تا اخبار را دنبال کنند. پیامی از هفتکل به صورت رمز و با اصطلاحات حفاری رسید که خبر می‌داد ۶ نفر بر ارتشی از طریق بمبئی وارد خاک ایران شده‌اند. یکصد سرباز هندی نیز بدون خونریزی در مسجدسلیمان بر اوضاع مسلط شدند تا خوش خدمتی خود را برای «صاحب»‌ها تکرار کنند. فرمانده ژاندارمری مسجدسلیمان سعی کرد فرمانده انگلیسی نیروهای هندی را هدف قرار دهد که تیرش به خطا رفت و خود هدف قرار گرفت و مجروح شد. در هفتکل نیز اخباری مبنی بر کشته شدن یک درجه‌دار ژاندارمری در درگیری با نیروهای انگلیسی منتشر شد. علاوه بر آن در کرمانشاه هم نیروهای انگلیسی کنترل خطوط لوله و تاسیسات نفتی را در دست گرفتند.

در چهارم شهریور با ورود ۳۰۰ سرباز ارتش ایران به مسجدسلیمان، درگیری در مرکز میدان‌های نفتخیز ابعاد تازه‌ای پیدا کرد. نیروهای ایرانی در قسمت‌های مختلف شهر سنگربندی و مقر اصلی خود را رویه‌روی ترابری شرکت نفت در مسجدسلیمان مستقر کردند. موقعیت برای انگلیسی‌ها سخت شده بود. فرمانده نیروهای ایرانی درخواست مذاکره رئیس مناطق نفتخیز را رد کرد تا انگلیسی‌ها حساب کار خود را بکنند. طی روزهای بعد، انگلیسی‌های مستقر در مسجدسلیمان، از سوی نیروهای ایرانی به حیاط منزل رئیس مناطق منتقل شدند تا در خصوص آنان تصمیم‌گیری شود. یکی از این



افراد روی دیوار منزل مذکور این نوشته را حکاکی کرد: «۹۶ نفر از کارمندان به اتفاق همسران آن‌ها، در تاریخ ۲۶ اوت ۱۹۴۱ در این خانه زندانی بودند و از سوی نیروهای نظامی ایران در ساعت ۸ و ۳۰ دقیقه صبح روز ۲۸ اوت ۱۹۴۱ به یک مقصد نامعلوم انتقال یافتند.»

مقصدی که برای انگلیسی‌ها نامعلوم بود، اندیمشک در شمال استان خوزستان بود. نیروهای ایرانی هر چند از ماجرای ناچوانر دانه ناو انگلیسی در ساحل آبادان باخبر شده بودند، اما می‌دانستند که با اسرای جنگی باید رفتاری انسانی داشته باشند.

کارمندی هم که این متن را حکاکی کرده بود، می‌دانست که در ایران خطر چندانی آنان را تهدید نخواهد کرد! قبل از آن که اتباع انگلیسی در میهمانسرای شرکت نفت در اندیمشک مستقر شوند، خیر تسلیم ارتش شاهنشاهی ایران اعلام شد و انگلیسی‌ها سوار بر اتوبوس شرکت نفت، در حالی که به فرمانده نیروهای ایرانی پوزخند می‌زدند، اندیمشک را به مقصد مسجدسلیمان ترک کردند!

به دنبال این حوادث، در خاتقین و کرمانشاه هم پس از چند روز که نیروهای ایرانی کنترل اوضاع را در دست گرفته بودند، بار دیگر سربازان هندی در پست‌های دیده‌بانی مستقر شده و پرچم شرکت نفت انگلیس و ایران (A.I.O.C) مجدداً به اهتزاز در آمد. استقرار نیروهای انگلیسی در مناطق نفتخیز، هر چند چیز تازه‌ای نبود، اما این بار غرور سرکوب شده ایرانیانی را در پی داشت که سربازان هندی را بر مال و جان و ناموس خویش مسلط می‌دیدند!

جنایات سربازان تجاوزگر در مناطق نفتخیز، تلخ‌ترین خاطره حافظه تاریخی این بخش از کشور است که به جرم داشتن نفت و نداشتن حکومتی مردمی و قدرتمند، محکوم به تحمل حضور بیگانه بود.

جدال در مرکز مناطق نفتخیز
صبح روز سوم شهریور ۱۳۲۰ انگلیسی‌ها در حیاط منزل «مستر لین» (H.W.LENE) «مستقر